



عکاس: کیومرث خوش‌صفت



دبیران دین و زندگی در بندرعباس:

کارشناسی ارشد معارف (گرایش علوم قرآن و حدیث)

۴. ابراهیم غلباش: دبیر معارف در آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، با مدرک کارشناسی ارشد معارف (گرایش فقه و حقوق)
۵. حسین رحیمی: دبیر معارف در آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، با مدرک کارشناسی ارشد معارف

دانش آموز باید پاسخ نیازهای روز خود را در کتاب دینی و قرآن بیابد

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی
مهدی مروجی

اشاره

در خدمت چندتن از همکاران درس دینی و قرآن در بندرعباس، مرکز استان هرمزگان بودیم و با آنان پرسش‌هایی را درباره کتاب پایه دوازدهم در میان گذاشتیم. آنچه می‌خوانید، آرای این عزیزان درباره موضوع‌ها و مباحث این کتاب است؛ به علاوه آنچه باید در کتاب جدید بیاید، یا اصلاحاتی که باید در درس‌های موجود صورت بگیرد.

۱. علی مریدی: دبیر دین و زندگی در آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس با مدرک کارشناسی ارشد در علوم قرآن و حدیث

۲. حسن مریدی: دبیر دین و زندگی، عضو گروه‌های آموزشی علوم انسانی استان هرمزگان، دارنده مدرک کارشناسی ارشد معارف.

۳. امید رحمانی: دبیر دین و زندگی از آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، با مدرک

– دبیران عزیز و ارجمند بندرعباس توجه فرمایید وقتی نظرات شما در مجله چاپ شود، اولین کسانی که آن را می‌خوانند، مؤلفان کتاب هستند. ضمن اینکه خود مؤلفان خواسته‌اند ما خدمت شما در بندرعباس و خدمت همکاران در استان‌های دیگر برسیم تا دیدگاه‌های انتقادی و سازنده و پیشنهادها کارگشا را منتقل کنیم. قبل از آمدن به اینجا، به مؤلفین گفتیم با همکاران درباره کدام کتاب و درباره چه جنبه‌هایی صحبت کنیم؟ آیا طرح سؤال خاص را در نظر دارید؟ به ما مأموریت دادند درباره کتاب دین و زندگی پایه دوازدهم گفت‌وگو کنیم تا دیدگاه و رویکرد شما را درباره موضوع‌های کتاب با تمام جزئیات منعکس کنیم. جمع‌بندی آرای همکاران در این استان و استان‌های دیگر را

به مؤلفان می‌دهیم تا در اصلاحات بعدی لحاظ شود، زیرا شما در کلاس با دانش‌آموزان بر سر این کتاب درگیرید و باید پاسخگوی پرسش‌هایشان باشید. امیدواریم این توضیح، هدف را به صورت شفاف روشن کرده باشد. حالا برویم سراغ سؤال‌هایی که لازم است با شما در میان بگذاریم:

لطفاً نظر خود را دربارهٔ جلد، حجم، خط، رنگ، تصویر و طرح‌ها و به صورت کلی وضعیت سخت‌افزاری کتاب بیان کنید. آیا تصویرها و طرح‌ها در خدمت موضوع و محتوای درس قرار دارند یا فکر می‌کنید خیر!

امید رحمانی: از حضور شما در اینجا متشکرم. باید واقع‌بینانه با درس‌های کتاب دین و زندگی مواجه شویم. وقتی ما در خط مقدم این عرصه برای انتقال علم و دانش قرار گرفته‌ایم، مشاهده می‌کنیم که نیازهای دانش‌آموزان و سؤال‌های آن‌ها چیزی فراتر از محتوای کتاب درسی است. فکر و نیازهای آنان محور خود را دارد، ولی کتاب بر محور دیگری می‌گردد. ما نیز مجبوریم کتاب را براساس همان سرفصل‌ها به پایان برسانیم و بچه‌ها را برای امتحان نهایی آماده کنیم. اما در کلاس درس با مشکلات بسیاری مواجهیم. دانش‌آموزان خسته و دلزده‌اند و حال و حوصلهٔ گوش دادن به صحبت‌های من معلم را ندارند. زیرا فکر می‌کنند نیازی نیست چیزی دیگری است. به محض اینکه فرصت پیدا می‌کنند، سؤال‌های زیادی از من معلم می‌پرسند که گویای همان چیزهایی است که عرض کرده‌ام.

اما دربارهٔ حجم کتاب و محتوای آن تقاضایم این است که به اطلاع تمام مؤلفان همه کتاب‌های درسی رسانده شود، مؤلفان نباید کتاب را برای هشت‌ماه تحصیلی بنویسند، باید کتاب را برای شش ماه تحصیلی بنویسند. به چند دلیل:

۱. متأسفانه چهار ساعت کلاس درس دین و زندگی به دو ساعت کاهش یافته است.
۲. حجم سؤال‌ها و شبهه‌هایی که در ذهن بچه‌هاست، زیاد است، باید در حد توان خود به آن‌ها پاسخ بدهیم.
۳. روزهای تعطیل زیادی در دورهٔ تحصیل سالانه در سطح کشور داریم.
۴. ساعاتی را باید برای امتحان کتبی یا شفاهی کنار بگذاریم.
۵. جلسه‌هایی کاری پیش می‌آیند که معلم باید

در آن‌ها شرکت کند. بنابراین، معلم ناچار است به سرعت از موضوع‌ها و محتوای کتاب عبور کند و کتاب را به سرانجام برساند.

– یعنی کمیت ملاک قرار می‌گیرد نه کیفیت!

رحمانی: دقیقاً! پس حجم و محتوای کتاب با فرصت هشت ماههٔ سال تحصیلی هم‌خوانی ندارد. متأسفانه کاهش ساعات درسی نیز به مجموعهٔ کتاب درس دین و زندگی حاضر آسیب وارد کرده است. بچه‌ها بارها از بنده پرسیده‌اند آقای رحمانی! شما اگر به پرسش ما جواب ندهید، ما برویم از چه کسی بپرسیم؟ یا می‌گویند، اگر جوابمان را از کتاب درس دین و زندگی نگیریم، از کجا باید بگیریم؟ در حالی که بنده، چه در کلاس و چه در غیر کلاس و در موقع استراحت، آمادهٔ پاسخ گفتن به بچه‌ها هستم، ولی باز هم به دلیل زیاد بودن حجم کتاب، چنان که لازم است نمی‌توانم در خدمت بچه‌ها باشم!

– شما می‌دانید که مؤلفه‌های تأثیرگذار زیادند. یکی از آن‌ها کتاب درس دین و زندگی شماست.

حسن مریدی: ما این مؤلفه را تصحیح و تقویت نکرده‌ایم، وگرنه از پس مؤلفه‌های دیگر برمی‌آید. به نظر همکاران اهمیت نداده‌اند.

امید رحمانی: به شدت به احکام نیاز داریم. دانش‌آموز ما با دیپلم وارد بازار کار می‌شود.

پس باید احکام کسب و کار را در کتاب دین و زندگی یاد بگیرد تا در کارش به آن عمل کند. یا دانش‌آموزان سرانجام وارد فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند. در کدام درس کتاب دین و زندگی به آن پرداخته‌ایم؟ جای این مباحث کاملاً خالی است.

– پس می‌فرمایید در کتاب مسائل اخلاقی مغفول مانده است؟

علی مریدی: همکاران محترم دربارهٔ قوت و ضعف مطالبی فرمودند.

از نظر بنده، قوت درس‌ها یکی آیات ابتدای درس است که نسبت به کتاب‌های قبلی بهتر شده است. همکاران در کلاس هم به این آیات توجه دارند و ۱۵ دقیقهٔ ابتدای کلاس را به قرآن اختصاص می‌دهند. اما دربارهٔ اعتقادات، با توجه به فرمودهٔ همکاران، بنده اشاره کنم تا حدی در کتاب‌های پایهٔ دهم

دربارهٔ حجم کتاب و محتوای آن تقاضایم این است که به اطلاع تمام مؤلفان همه کتاب‌های درسی رسانده شود، مؤلفان نباید کتاب را برای هشت‌ماه تحصیلی بنویسند، باید کتاب را برای شش ماه تحصیلی بنویسند



دو سال پیش
نیز درخواست
همکاران برای
افزایش ساعات
تدریس برای
مسئولان ارسال
شد، ولی تاکنون
مؤثر نبوده
است. به نظر
و درخواست
همکاران اهمیتی
نداده‌اند. این فقط
خواست ما در
استان هرمزگان
نیست، صد در
صد همکاران در
استان‌های دیگر
خواهان افزایش
ساعات تدریس
دین و زندگی اند

و یازدهم به اعتقادات توجه شده و در کتاب پایه دوازدهم توحید را تشریح کرده‌اند؛ گرچه کم است، ولی با توجه به ساعات تدریس آن، مفید است. درباره احکام، در سال‌های گذشته کم توجهی شد. مثل اینکه در پایه هشتم احکام مربوط به ماهواره را آورده بودند. اگر کتاب را به دو قسمت تقسیم کنند و در یک قسمت، بحث‌های اعتقادی و در قسمت دیگر اخلاق و احکام اختصاصی را بیاورند، خیلی خوب می‌شود. البته سه قسمت هم می‌شود کرد؛ اعتقادی، اخلاقی و احکام همه این قسمت‌ها باید با توجه به نیازهای دانش‌آموزان و مسائل مبتلا به آنان پر شود. در بحث‌های اخلاقی هم حدیث‌های مربوطه را بیاورند.

یک گله هم این است که ای کاش قبل از تألیف کتاب به بندرعباس می‌آمدند و از همکاران اینجا و شهرهای دیگر نظرخواهی می‌کردند تا کتاب براساس آرای همکاران آماده می‌شد این، نتیجه‌بخش‌تر بود.

دو ساعت تدریس برای این کتاب خیلی کم است. این مدت برای توضیح محتوا شاید کفایت کند، ولی نمی‌توان آنچه را دانش‌آموزان در ذهن دارند و باید مطرح کنند، در حد لازم توضیح داد یا رفع ابهام کرد، یا به شبهه‌ها پرداخت. بچه‌ها آنچه را می‌بینند، در فضای مجازی می‌خوانند یا از این و آن می‌شنوند، در کلاس من مطرح می‌کنند. اگر ساعات تدریس دین و زندگی از دو ساعت به چهار ساعت می‌رسید، کار همکاران این درس راحت‌تر می‌شد. دو سال پیش نیز درخواست همکاران برای افزایش ساعات تدریس برای مسئولان ارسال شد، ولی تاکنون مؤثر نبوده است. به نظر و درخواست همکاران اهمیتی نداده‌اند. این فقط خواست ما در استان هرمزگان نیست، صد در صد همکاران در استان‌های دیگر خواهان افزایش ساعات تدریس دین و زندگی‌اند.

ابراهیم غلباش: از نظر محتوایی، کتاب پایه دوازدهم خوب است. یکی از موضوع‌های مورد نیاز پرداختن به شرک بود، زیرا با مطرح کردن توحید، دانش‌آموزان درباره شرک می‌پرسیدند که خوشبختانه امسال این موضوع نیز در کتاب آمده است. لذا به راحتی می‌توان توحید و شرک را به صورت مقایسه‌ای مطرح کرد. اما دو ساعت تدریس خیلی کم است و سبب نزول کار کیفی در تدریس می‌شود. کتاب خالی از احکام است. دانش‌آموزان دبیرستان (متوسطه دوم) در سنی قرار دارند که راه‌های گریز برای آنان فراهم است؛ به‌ویژه که خیلی زود تحت تأثیر فضای مجازی قرار می‌گیرند.

حسین رحیمی: در بحث عصمت می‌گوییم پیامبران از هر گونه گناهی مصون‌اند، اما درباره حضرت آدم گفته می‌شود اشتباه کرد و از بهشت رانده شد. پس آیا مصونیت از گناه و خطا، در هر مورد است، یا فقط به دریافت و ابلاغ وحی مربوط می‌شود؟ در کتاب پایه دوازدهم به این مورد خوب نپرداخته‌اند.

درباره مدت تدریس هم عرض کنم، برای رشته علوم انسانی چهار ساعت است، ولی برای رشته‌های تجربی و ریاضی دو ساعت است. اگر بپذیریم که این تفاوت بازمی‌گردد به بیشتر بودن درس (۱۸ درس) برای علوم انسانی، پس لازم است برای دو رشته دیگر (با ۱۲ درس) سه ساعت تدریس مقرر کنند نه دو ساعت!

حسن مریدی: آوردن آیات در ابتدای درس کار خوب و کار مثبتی است، ولی می‌توان آیات را با خط‌های زیباتر و جذاب‌تر برای بچه‌ها نوشت. این نکته را عرض کنم که در گذشته، درسی به نام «نظارت همگانی» داشتیم. منظور از نظارت همگانی «امر به معروف و نهی از منکر» است. در این باره پرسیدیم، گفتند در کتاب پایه نهم آمده است. اگر صحت داشته باشد، یعنی این موضوع را به حاشیه برده‌ایم، زیرا امر به معروف و نهی از منکر موضوع بسیار مهمی است که باید در کتاب‌های پایه یازدهم یا دوازدهم گنجانده می‌شد. در پایه نهم کارایی ندارد، مناسب‌تر است که این درس به سر جای قبلی‌اش برگردد.

اگر شما (به صورت فردی یا گروهی) مؤلف این کتاب بودید؛ کدام یک از عنوان‌های درس (کل درس منظور است) را می‌پذیرفتید، چرا؟ کدام‌ها را حذف می‌کردید، چرا؟ و چه عنوان‌های تازه‌ای را اضافه می‌کردید؟

علی مریدی: بحث ویرایش کتاب نیست. اگر نویسنده کتاب بودم، هر سه کتاب پایه دوم متوسطه را با هم در نظر می‌گرفتم؛ در این کتاب‌ها هم باید به توحید پرداخت و هم به معاد و هم نبوت و هم امامت که در واقع تداوم نبوت به حساب می‌آید. در کنار این‌ها باید به موارد دیگری مانند اخلاق عملی و تربیتی هم توجه داشت. در پایه دهم تا حدی به شناخت توحید پرداخته شده است. در همین کتاب باید پایه‌ها را شکل داد و ساخت.

دیگر نیاز به تکرار آن‌ها در کتاب‌های بعدی نیست. به جای آن‌ها باید موضوع‌های کاربردی را آورد. اکثر مباحث کتاب در بحث‌های نظری باقی

مانده‌اند و وارد مرحله عمل نشده‌اند. اما اگر مباحث توحید کتاب پایه دهم تا حدی قوی‌تر و مستدل‌تر مطرح می‌شد. و در پایه بعدی به موضوع نبوت می‌پرداختیم و تداوم آن را در امامت دنبال می‌کردیم، مفیدتر بود، در حالی که اکنون در پایه دوازدهم، باز برگشته‌ایم به توحید که دیگر لازم نیست.

به کدام درس‌ها باید در پایه دهم به حد کافی توجه می‌شد و دیگر لازم نبود در کتاب دیگر مثل کتاب پایه دوازدهم تکرار شوند؟

علی مریدی: در کتاب پایه دهم، بخش‌های قسمت اول، مثل هدف زندگی، خوب و لازم است. با این تبصره که می‌شد مطالب بهتری را گنجانده تا جذاب‌تر شود و از برهان نظم استفاده می‌کردیم و در کنارش برخی بحث‌های مربوط به توحید را می‌آوردیم. قرآن هم وقتی به توحید می‌رسد، دقیقاً از نظم و انسجام موجود در طبیعت که بهترین شیوه است. برای یاددهی استفاده می‌کند. وقتی در کلاس از شیوه قرآنی استفاده می‌کنیم، دانش‌آموزان بهتر می‌پذیرند و برایشان قابل درک‌تر است. اگر این گونه می‌شد، دیگر لازم نبود در پایه دوازدهم باز هم بحث توحید را بیاورند.

بعد می‌رسیم به معاد که این موضوع مورد توجه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. در پایه دوازدهم مباحث آمده مورد نیاز بچه‌هاست، با این یادآوری که خیلی از درس‌ها را که نیاز مبرم‌تری به آن‌ها بود، حذف کردند. انتظار داشتیم در کتاب دوازدهم درس «مدیریت خانواده» هم اضافه می‌شد که این درس می‌توانست به دبیران کمک کند، اما متأسفانه به سمت روان‌شناسی و علوم اجتماعی رفت و دین و زندگی همچنان بی‌یار و یاور باقی ماند.

امید رحمانی: انگار رسم الخط قرآن در کتاب درسی به فارسی است و این روش تلاوت را برای دانش‌آموزان سخت کرده است. اگر همان خط عثمان طه بود، تلاوت آیات برای معلم و دانش‌آموزان راحت‌تر و روان‌تر می‌شد. اکنون در این رسم الخط، اعراب‌گذاری کامل نیست.

من درباره محتوای کتاب سوآلی دارم؛ آیا دین و زندگی بچه‌های رشته تجربی با بچه‌های رشته انسانی فرق می‌کند؟

مؤلفان کار جالبی نکرده‌اند؟ زیرا نیازهای دین و زندگی دانش‌آموزان تمام رشته‌ها یک جور است. حال که این کار را کرده‌اند، حداقل دبیران را درباره آن توجیه می‌کردند که به چه دلیل چنین

تفاوتی قائل شده‌اند؟ البته این را هم باید عرض کنم که درس‌های چهار، پنج و شش بسیار خوب هستند مثل بحث توسل که باز جا دارد بیشتر به آن بپردازند، زیرا نیاز روز بچه‌هاست و در این زمینه شبیهه‌ها زیاد است. بحث‌های انتخاب و اختیار، قضا و قدر و سنت‌ها و امدادهای الهی خوب دیده شده‌اند.

حسن مریدی: سؤال خوبی طرح کرده‌اید، ولی بدون پژوهش نمی‌توان جوابی به آن داد. اگر شما ده روز پیش یا بیشتر این سؤال‌ها را برای ما می‌فرستادید، بنده بهتر می‌توانستم نظرم را بدهم.

اگر اکنون آمادگی ندارید، می‌توانید نظر خودتان را بعداً برای ما بفرستید تا استفاده کنیم. ضمن اینکه ما بیشتر از پانزده روز است که سؤال را برای سرگروه دین و زندگی فرستادیم تا در اختیار همکاران قرار دهد.

حسن مریدی: به هر حال، اگر من نویسنده کتاب بودم، درس یک تا نه را حفظ، ولی درس دهم را حذف می‌کردم (تمدن جدید و مسئولیت ما)، زیرا برای آن نیازی احساس نمی‌کنم. جای این درس، اخلاق و احکام را به صورت دو درس اضافه می‌کردم. ضمن اینکه اگر جای مؤلف کتاب بودم، در پایه دهم فقط موضوع‌های اعتقادی را می‌گنجاندم و در پایه یازدهم اخلاق را با توجه به روایات و قرآن و داستان‌های شیرین زندگی پیامبر (ص) و امامان (ع) مطرح می‌کردم تا تربیت اخلاقی دانش‌آموزان، تربیت عملی باشد.

در سال دوازدهم هم احکامی را می‌آوردم که مبتلا به دانش‌آموزان ماست؛ به ویژه احکام نماز و ازدواج. **ابراهیم غلباش:** من حتماً به کتاب پایه دوازدهم درس احکام را اضافه می‌کردم و بعد بحث قضا و قدر را برای بچه‌ها بازتر و قابل فهم‌تر می‌کردم. کلام موجود در کتاب برای آنان سنگین است، به این دلیل که سخن را خیلی کوتاه کرده‌اند. در حد نصف صفحه که خیلی کم است و همین ایجاز، درک مطلب را سخت کرده است.

البته مثال هم آورده است.

غلباش: درست است، ولی می‌توانستند موضوع را روان‌تر تشریح کنند.

حسین رحیمی: کتاب پایه دوازدهم جذاب است، ولی وقت تدریس آن کم است. بنده وقتی این درس‌ها را در کلاس تدریس می‌کنم، لذت می‌برم،

وقتی در کلاس از شیوه قرآنی استفاده می‌کنیم، دانش‌آموزان بهتر می‌پذیرند و برایشان قابل درک‌تر است. اگر این گونه می‌شد، دیگر لازم نبود در پایه دوازدهم باز هم بحث توحید را بیاورند



کتاب پایه
دوازدهم جذاب
است، ولی وقت
تدریس آن کم
است. بنده وقتی
این درسها
را در کلاس
تدریس می کنم،
لذت می برم،
اما کمبود وقت
فعلی نمی گذارد
مطالب را به
خوبی برای
دانش آموزان جا
بیاندازم

اما کمبود وقت فعلی نمی گذارد مطالب را به خوبی برای دانش آموزان جا بیاندازم.

– مؤلفان بر فعال کردن و مشارکت دانش آموزان در درسها تأکید کرده اند. آیا برای شما دبیران محترم امکان چنین کاری وجود دارد؟

حسین رحیمی: خیلی کم. زیرا تعداد بچهها در کلاس زیاد است. حدود ۴۰ دانش آموز در کلاس نشسته اند و ساعت تدریس هم کوتاه است.

علی مریدی: اگر مشارکت بچهها نباشد، یادگیری ممنوع است. قطعاً باید بچهها در کار تدریس حضور فعال داشته باشند و با هنر معلم به مشارکت وادار شوند. یا خودشان باید برای همکاری رغبت داشته باشند. بنده از طریق دادن موضوع تحقیق، یا تهیه جواب برای سؤالها این کار را می کنم. فیلمهای آموزشی را گاهی بچهها از اینترنت می گیرند و می آورند. استفاده از کتابخانه هم در دستور کار ما قرار دارد. حداقل ماهی یک بار هم شده بچهها را به کتابخانه مدرسه می برم و پس از مطالعه، خلاصه ای از آنچه را خوانده اند، بیان می کنند. اگر موضوع مربوط به درس باشد، چه بهتر، و گرنه موضوع اخلاقی را مطالعه می کنند. به نظرم، اگر می خواهیم بچهها را متوجه چیزی کنیم، باید در حوزه عمل باشد، در حالی که در کلاس تمام بحثها نظری است. عملی یعنی اینکه کار پژوهشی را به آنان واگذار کنیم تا بروند خودشان تحقیق کنند.

اگر کار و مشارکت عملی نباشد، ۴۰ سال دیگر هم در تربیت دینی بچهها تحولی ایجاد نمی شود.
امید رحمانی: اگر من مؤلف این کتاب بودم؛ در درجه اول پای نمره و ارزشیابی مقرر کنونی را در درس دینی قطع می کردم. همین قدر که دانش آموز با انتخاب و علاقه آمده و سر کلاس نشسته است، نمره دارد. در مرحله دوم، کار تحقیقی و پژوهشی را بر اساس نیازها و موقعیتها به وی واگذار می کردم. برای نمونه، در هرمزگان مسائل خاصی وجود دارد. همین طور در سطح کشور با چنین مسائلی روبهرو هستیم. از بچهها بخواهیم در حد وسع و توانشان علت مسئله مورد نظر را پیدا کنند و برای حل آن چاره جویی کنند و راه حل بدهند. یا اوقاتی را با بچهها در کتابخانه بگذرانیم که بدون شک این صرف وقت جاذبه دارد و ایجاد علاقه می کند. وقتی من معلم نمره ارزیابی را گذاشته ام و مدیر مدرسه فقط دنبال این نکته است که بپرسد نمره ماهانه

چه شد نمره های نوبت اول و دوم کجاست، این هول و ولها مرا از کار اصلی و کیفی ام باز می دارد. نتیجه کار هم نمی تواند رضایت بخش باشد. البته نمره و ارزشیابی را هم با سبک و سیاق دیگری برای خودم تعریف می کردم که با روش کار با بچهها متناسب باشد.

در مرحله کنونی و با وضعی که کتاب دارد، امکان کار تحقیقی و پژوهشی وجود ندارد. حتی اگر هم بچهها را به کار بگیریم.

– اسم کتاب «دینی و قرآن» است. محتوای درس باید در خدمت تبیین و تفهیم این عنوان باشد. مؤلفان محترم چنین باوری دارند. اما به نظر شما همکاران محترم، مؤلفان کتاب تا چه اندازه در این کار موفق بوده اند؛ از آیات منتخب و محتوای متن اصلی درس تا بخش های تدبیر و پاسخ به سؤالها و تفکر در متن و غیره؟ نقد شما به این موضوع چیست؟

علی مریدی: ابتدا نکته ای را درباره سؤال قبلی بگویم. کمتر مباحث از تحقیق و پژوهش در کتاب دیده می شود. البته وضع کلاسها با هم فرق دارد. در کلاس کار و دانش باید فعالیت مناسب با وضع آنها عرضه شود. در برخی مدرسه های خاص یا مدرسه های عادی خوب، بچهها خودشان قادر به کار تحقیقی هستند. اما همه اینها به شیوه تدریس برمی گردد. معلم با شیوه مناسب می تواند دانش آموزان کلاسش را فعال کند. کتابهای کار و دانش و تجربی و ریاضی باید عوض می شد.

در کار و دانش بچههایی داریم که نمی توانند نماز بخوانند، یعنی بلد نیستند. آداب روزه را نمی دانند. از حداقل های احکام چیزی نمی دانند. از این افراد چه انتظاری دارید؟ مگر در دبستان که تا حدی مباحث نماز را آموزش داده ایم، بفرمایید در کدام پایه حداقل اذکار نماز را آورده اند؟ ما پیشنهادی دادیم که قبول نکردند. پیشنهاد ما این بود که در آخر هر کتاب، اذکار نماز را بیاورند. اگر دانش آموز بلد است چه خوب، ولی اگر بلد نیست، یا اشکالی دارد، بتواند با رجوع به آن، فهم خود را اصلاح کند. بحث نماز بسیار مهم است؛ خداوند فرموده است: ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر. اما درباره سؤال شما.



سه چهار داستان شیرین از زندگی ائمه (ع) همراه می کردند، یادگیری بهتر صورت می گرفت. زیرا وارد حوزه عمل می شد و در این حوزه، امکان یادگیری بیشتر است. در نهایت این ارتباط خوب است.

غلباش: به نظر می رسد آیات با موضوع و محتوای هر درس تناسب دارند؛ به ویژه در قسمت سنت های الهی که خواسته دانش آموزان پیام آیه را در بیاورند، آنان را خیلی کنجکاو می کند طوری که خودشان به راحتی می توانند پیام را پیدا کنند، در همین درس ششم یعنی «سنت های خداوند در زندگی»، هر آیه با یکی از سنت های الهی متناسب است.

رحیمی: در کتاب های سال گذشته این ارتباط نبود، اما در کتاب های جدید این ارتباط خیلی واضح است.

– در اینجا، به صورت مختصر و مفید، هر چه می خواهید درباره کتاب بفرمایید؟

رحیمی: به وقت متناسب با محتوای کتاب نیاز دارم تا چنان که می خواهم و نیاز بچه هاست بدان بپردازم. ضمن اینکه به دلیل نیازهای اقتصادی و مالی، ذهنم درگیر است. لذا کمیود وقت و درگیری ذهنی برای تأمین زندگی سبب می شوند چنان که باید و شایسته است نتوانم وظیفه ام را انجام بدهم.

یک آیه یا حدیث کوتاه می تواند زندگی یک نفر را تغییر بدهد. ما از این نکته ها نباید غافل باشیم. وقتی قرآن از کم فروشی در قوم شعیب سخن می گوید، همکار من می تواند این موضوع قرآنی را برای دانش آموزان باز کند که بحثی آموزنده و اخلاقی است.

یعنی آیاتی را برای کتاب انتخاب کنیم که حاوی اخلاق کاربردی هم باشند. نباید از نقش مهم معلم چشم بپوشیم.

امید رحمانی: یادم می آید. وقتی در کلاسی آیات قرآن قرائت شد، گفتم روی ترجمه آیات دقیق شوید و هر کس نکاتی را که در می یابد و پیامی را که از آیات می گیرد، بیان کند. هر کس چیزی می گفت. این مورد به خوبی در کتاب دیده شده است. برای نمونه، در درس دوم، ص ۱۷ بچه ها درباره آیه ۶۳ «آیا درباره آنچه کشت می کنید، اندیشیده اید»

می گفتند: «ما باید درباره تمام مخلوقات عالم فکر کنیم. این تذکری است که قرآن به ما می دهد. اصل کار خوب است، ولی استمرار آن وقت کلاس را خیلی می گیرد، زیرا فرصت پرداختن به محتوای درس ها را نداریم تا کتاب تمام شود. اگر زمان تدریس افزایش یابد، این دغدغه هم بر طرف می شود.

حسن مریدی: آیات آن درس هایی تا این زمان (درس ششم) تدریس کرده ایم، به تقریب با محتوای درس هم خوانی دارد، اما اگر محتوای موجود را با

حتی یک آیه یا حدیث کوتاه می تواند زندگی یک نفر را تغییر بدهد. ما از این نکته ها نباید غافل باشیم. وقتی قرآن از کم فروشی در قوم شعیب سخن می گوید، همکار من می تواند این موضوع قرآنی را برای دانش آموزان باز کند که بحثی آموزنده و اخلاقی است



حکام و اخلاق
باید در کتاب
پایه دوازدهم
جایی داشته
باشند، زیرا
احساس
نیاز بچه‌ها و
ما به عنوان
معلم، واقعی
است؛ می‌تواند
به صورت
مستقل یا در
کنار درس‌های
دیگر بیاید

غلباش: مطالب در مجموع گفته شد و یادآوری آخر هم تکرار است، ولی به دلیل اهمیت آن می‌گویم، احکام و اخلاق باید در کتاب پایه دوازدهم جایی داشته باشند، زیرا احساس نیاز بچه‌ها و ما به عنوان معلم، واقعی است؛ می‌تواند به صورت مستقل یا در کنار درس‌های دیگر بیاید.

حسن مریدی: آنچه را همکاران فرمودند، به گوش مسئولان و مؤلفان برسانید، یکی بحث‌های اخلاقی، اعتقادی، عبادی و احکام که لازم است در کتاب سیال آینده گنجانده شود. دوم ساعت تدریس که واقعا کم است و جا دارد اضافه شود تا معلم بتواند شبیه‌های بچه‌ها را رفع کند. سوم، از داستان‌های شیرین و روایات معصوم (ع) در کتاب بیاورند تا مطالب جذاب شوند و فرایند یادگیری بهتر صورت گیرد. چهارم، شیوه تدریس به صورت پژوهشی و عملی پیش برود. به این ترتیب، قطعاً بچه‌ها درس‌ها را بهتر یاد می‌گیرند و ماندگاری آموخته‌ها درازمدت می‌شود و در رفتار بچه‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و قابل مشاهده است.

پنجم، نمره از درس دین و زندگی حذف شود و به جای آن به رفتار بچه‌ها تعلق بگیرد. این‌گونه نمره‌دهی در قلب‌ها، تأثیر می‌گذارد و سبب تثبیت رفتارهای خوب می‌شود.

رحمانی: باز هم از حضور شما در اینجا تشکر می‌کنم. امیدوارم ارتباط بین وزارتخانه و مراکز استان‌ها مستمر باشد. اگر مطالب به صورت پراکنده گفته شد، عذر می‌خواهم. علت این است که فرصت فکر کردن به پرسش‌های شما را نداشتیم، ولی آنچه را دغدغه فکری و ذهنی ما بود، بیان کرده‌ایم.

امیدواریم حجم و محتوای کتاب با مدت تحصیل دانش‌آموزان که بیش از شش ماه نیست متناسب شود. بنده هم مثل دیگر همکاران روی افزایش ساعات تدریس تأکید می‌کنم. پیرو فرمایش آقای مریدی، درس‌های دین و زندگی لازم است با داستان‌ها آمیخته شوند، حتی درس توحید، زیرا به این ترتیب تعلیم و تعلم جذاب‌تر می‌شود.

شما نگاه کنید به ابتکار عمل حضرت ابراهیم (ع) در رسیدن به توحید و تشریح آن که چقدر جالب و قابل لمس و فهم است! حتماً احکام در کتاب بیاید. خواست ما دبیران و دانش‌آموزان این است.

علی مریدی: ممنونم که به نظرات همکاران استان هرمزگان اهمیت داده و به اینجا آمدید. آنچه را همکاران فرمودند، تکرار نمی‌کنم. نظر من

این است که ما از ظرفیت‌های موجود استفاده نکرده‌ایم. دو سه ماه قبل قرار بود برخی از درس‌ها را به صورت مجازی اجرا کنند که نشد. اما درباره افزایش ساعات تدریس تاکنون موفق نشده‌ایم، این خواسته به حق معلم را که حق دانش‌آموزان هم هست، محقق کنیم. شاید ما هم از ظرفیت خود برای احقاق این حق استفاده لازم را نکرده‌ایم.

— مؤلفان هم می‌خواهند ساعات تدریس زیاد شود، لذا درصد افزایش درخواست‌ها از سوی همکاران اند تا با قوت بتوانند پی‌گیر شوند.

علی مریدی: ما برای آزمایشگاه فیزیک و دیگر درس‌ها احترام قائلیم، اما برای قسمت‌های عملی درس دین و زندگی جایی در برنامه‌ریزی قرار نداده‌ایم. نظرم این است که دانش‌آموز را به اجبار به سمت اقامه نماز نبریم. اما اگر در ساعت کلاس قرار است نماز برگزار شود، موظفش کنیم به نمازگزاران بپیوندند. همان‌طور که دانش‌آموزان موظفانند در ساعت آزمایشگاه فیزیک و شیمی حاضر شوند و حق اعتراض ندارند، زیرا جزئی از ساعت درسی‌شان است و آن را پذیرفته‌اند، همین کار می‌تواند برای نماز در برنامه‌ریزی بگنجد تا حق اعتراض نداشته باشند.

یک مورد دیگر. در دوره پیش‌دانشگاهی، نمره ۱۲ به ۸ بود و دانش‌آموز برای ۸ نمره موظف بود خود را برای امتحان کل قرآن آماده کند. اما الان شده ۱۶ به ۴ و کل قرآن به حاشیه رفته است. حال که در اول هر درس آیات قرآن را قرار داده‌ایم، پرسش از کل قرآن هم باید از دانش‌آموزان باشد و بعد ۸ نمره برگردد تا دانش‌آموز ضرر نکند. در دوره پیش‌دانشگاهی، دانش‌آموز لازم بود کل قرآن را یاد بگیرد و بلد باشد. بعد آمدند آن را با درس دینی ادغام کردند. ۲۰ نمره را برداشتند، ۸ نمره برایش تعیین کردند و گفتند آن را جزو دینی به حساب آورده‌ایم. حال با احتساب ۱۶ به ۴، ۴ نمره در حاشیه قرار گرفت و کل قرآن هم به حاشیه رفت. می‌توان این شیوه را برگرداند تا دانش‌آموز کل قرآن را یاد بگیرد و نه فقط چند آیه را که در اول درس آمده است.

— از حضور شما عزیزان در این گفت‌وگو تشکر می‌کنم.